نعل وارونه میراث فرهنگی

■ **حسن روانشید***

یکی از معضلاتی که چند سال است گریبان دولت‌ها را گرفته حجم زیاد وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته به مجموعه کلان کشور است. در حالیکه همه مسئولان بر کوچک کردن حجم دولت و چابک‌سازی آن در نظر و شعار موافقت دارند اگرچه شهرداری‌ها بخش خصوصی به‌حساب می‌آیند اما به دلیل استفاده از کمک‌های بیت‌المال می‌توان آنها را خصولتی فرض نمود. اخیراً و در دور جدید حضور شوراهای اسلامی شهر پنجم تعدادی از کلانشهرها مدیران خود را از این رده به مدیریت کل ارتقا داده که پیداست زیرشاخه‌های آنها هم درجات بالاتری را کسب خواهند نمود که این خود نیازمند اعتباری جدید برای پرداخت تفاوت مبلغ حقوق و مزایای تازه است درحالی که به علت رکود ساخت‌وساز درآمدهای شهرداری‌ها به‌شدت تقلیل یافته است! به تبعیت از این اتفاقات ریز و درشت یکی از زیرمجموعه‌های دولتی ازجمله در حوزه ریاست جمهوری دم از ایجاد وزارتخانه می‌زنند که این امر اگر اتفاق بیفتد به‌خودی‌خود می‌تواند هزینه کلانی را برای سازمان برنامه و بودجه ایجاد نماید.

برنامه‌ریزان مخالفت با روند صرفه‌جویی باید بدانند آفتابه‌لگن‌ها اگر صد دست هم باشند وقتی شامی برای خوردن در کار نباشد مثمر ثمر نخواهد بود! سال‌هاست دولت‌ها در تبلیغات قبل از انتخاب دم از کوچک کردن می‌زنند اما پس از روی کار آمدن، نسیان به سراغشان می‌آید و همه وعده‌های خود را به فراموشی می‌سپارند!

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی قبل از ایجاد به‌نام وزارت فرهنگ و هنر نامیده می‌شد اما به‌منظور کم کردن وسعت دولت این مجموعه با عنوان معاونت ریاست جمهوری به این نام تغییر یافت تا بتواند راحت‌تر به فعالیت‌های خود بپردازد و برای کوچک‌ترین مورد به استیضاح مجلس شورای اسلامی کشیده نشود. اما این تغییر نام نه‌تنها نتوانست بهره‌وری را افزایش دهد بلکه باعث شد همچنان حیاط‌خلوت دولت‌ها باقی‌مانده تا بتوانند سیاست‌های خود را در آن مدیریت نمایند. سال‌های متمادی گذشت و با توجه به اینکه کشور ایران از نظر میراث فرهنگی یکی از معدود سرزمین‌های بکر و دست‌نخورده دنیا است اما مسئولان این نهاد حساس نتوانستند بهره‌ای مناسب از این برند ببرند و از وجود هزاران اثر و هنر تاریخی و باستانی ملموس و ناملموس آن آحاد سرزمین را بهره مناسب سازند. در زمینه گردشگری نیز با توجه به چهار فصل بودن و داشتن جاذبه‌های بی‌نظیر همچنان در پایین‌ترین رده امتیازات مانده‌اند بدون اینکه کوچک‌ترین تلاشی پیرامون خروج از این چالش داشته باشند.

صنایع‌دستی را نیز به حال خود رها کرده‌اند تا کشورهایی ازجمله چین و پاکستان از آن کپی‌برداری کرده و بازارها را اشباع نمایند! موزه‌ها به حال خود رها شده تا هر روز قسمتی از آن به سرقت رفته یا براثر بی‌مبالاتی و ندانم‌کاری بعضی از شاغلان در آن مضمحل شود! با عدم هماهنگی منضبط فی‌مابین مجموعه یکپارچه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و تغییرات متعدد در مدیریت آن و حضور بعضی افراد ناوارد در رأس هر قسمت، کار به‌جایی کشیده که از این سازمان عریض و طویل و بلااستفاده اسم و تابلویی باقی‌مانده و هر روز یکی از داشته‌های فرهنگی ملموس و غیرملموس آن توسط یکی از همسایگان به یغما برده می‌شود و به‌نام خود در یونسکو به ثبت می‌رسانند یا از سوی وزارت صنعت و معدن برای اکتشاف اجاره داده می‌شود اما امروز به‌جای اینکه مشکل حل شود صورت‌مسئله را پاک می‌کنند و طرح جدیدی تحت عنوان وزارتخانه را تقدیم دولت می‌نمایند تا مراحل قانونی آن طی شود! انگار تنها مشکل موجود این مجموعه ارزشمند و حساس که متولی تاریخ تمدن و هنر و فرهنگ ملموس و ناملموس است تغییر تابلوی آن از سازمان به وزارت می‌باشد!

مسئولان و مشاوران آن بهتر است به‌جای ایجاد پست‌های جدید در سازمان سعی نمایند روند کار را در این مجموعه به چرخش درآورند تا با حضور محققان و گردشگران از سراسر دنیا موجودیت و مالکیت فرهنگ و هنر اصیل کشور بیشتر شناخته شود و تحرکی نیز در روند اقتصاد ایجاد گردد.

***روزنامه‌نگار پیشکسوت**

فرصت‌طلبی دیپلمات‌های فرنگی در حوزه فرهنگی

■ **علیرضا محمدی**

اساساً نفس حضور دیپلمات‌ها و وابستگان آنان در حوزه فرهنگ و هنر کشور نه‌تنها اتفاقی بی‌ضرر است که در اغلب موارد می‌توان آن را به سود این حوزه آن هم در بُعد بین‌المللی و تعاملات مربوطه قلمداد کرد اما تجربه و سابقه سه دهه انقلاب اسلامی و مواجهه آنان با ارکان اساسی انقلاب ثابت کرده است که تنها اگر به‌اندازه یک‌چشم بر هم زدن از اقداماتشان در داخل کشور غفلت شود قطع به‌یقین نتیجه و ماحصلی جز خسارت فراوان برای انقلاب، کشور و مردم در پی نخواهد داشت.

اتفاق ناخوشایندی که تاریخ این سرزمین کم به خود ندیده و هزینه‌های بسیاری که برای جبران آن پرداخت‌نشده است و حال در آستانه چهارمین دهه از انقلاب اسلامی و با خلأ و کم‌کاری ایجادشده در بدنه دولت روزبه‌روز شاهد جولان دادن‌های بیش‌ازپیش این عناصر نامطلوب تحت عناوینی چون سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد بین‌المللی، اعضا و دیپلمات‌های ارشد سفارتخانه‌ای همچون سفرا، رایزنان فرهنگی و سایر وابستگان آنان در حوزه‌های تخصصی هنری کشور هستیم؛ از حضور مستمر و گسترده در سالن‌های تئاتری و سینمایی گرفته تا بازدیدهای نمایشگاهی، گالری گردی و علی‌الخصوص میزبانی هنرمندان در مهمانی‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی که نه‌تنها قرابتی در راستای تعاملات فرهنگی و هنری نداشته بلکه بیش‌ازپیش در خدمت نقشه‌های از پیش طراحی‌شده برای ضربه زدن به‌نظام و انقلاب بوده اما با علم و آگاهی از این بدیهیات ذکر چند مورد بسیار لازم و ضروری است.

ابتدا باید توجه داشت قاطبه فرهیختگان و هنرمندان کشور دل در گرو نظام و انقلاب دارند و اگر نقدی نیز از جانبشان مطرح و به هر نوعی بیان می‌شود در چارچوب درون نظامی بوده و هرگونه خط‌کشی و دسته‌بندی به‌واسطه بیان دیدگاه‌ها دقیقاً نعل به نعل برنامه‌ای است که دشمن سالیان سال در پی انجام آن بوده اما از طرفی اینکه عده‌ای از هنرمندان و جامعه هنری بدون اطلاع و آگاهی مجدد تأکید می‌شود -بدون اطلاع و آگاهی- با این عناصر نامطلوب وارد مراوداتی می‌شوند خدای‌ناکرده نه به هدف ضربه زدن به کشور که تنها برای رونق و پیشرفت تخصصی خود و آثارشان صورت گرفته است وظیفه‌ای است که انجام آن بر عهده دولت بوده و درنهایت تأسف و در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن مدیران مربوطه و منتسب به دولت در انجام آن کم‌کاری(!) محض و محرز کرده و زمینه اقدامات فردی و شخصی هنرمندان و جامعه هنری کشور را با این محافلِ نفوذ عملاً و علناً فراهم کرده است.

اجازه دهید نگارنده به این واقعیت تلخ اشاره کند که وقتی بعضی مدیران فرهنگی دولت برای دلالان، وابستگان سفارتخانه‌ها و حتی کارمندان دون‌پایه و محلی - که اغلبشان نیز به واسطه ایجاد روابط فرا اداری از قضا خانم(!) انتخاب می‌شوند- اختیارات فراوان و حمایت‌های بی‌حد و مرزی در حیطه مسئولیت خود فراهم می‌کنند در مواجهه با یک دیپلمات مؤثر از یک سفارتخانه دقیقاً می‌شود مصرع معروف آن شاعر شیرین‌سخن که فرمودند: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

و این واقعیتی تلخ از رویدادی است که در حوزه‌های تئاتر و سینما علی‌الخصوص در سال‌های اخیر به‌وفور رخ‌داده و روزبه‌روز دامنه آن گسترده‌تر و ژرفای آن عمیق‌تر نیز می‌شود اما در این میان و در مقوله تئاتر به‌واسطه ارتباط مستقیم با هنرمندان و ضریب نفوذ بسیار بالای این حوزه، بیش از سینما مورد توجه و هدف سفارتخانه‌ها قرار گرفته که متأسفانه متولیان امر به‌جای جلوگیری از نفوذ روزافزون تنها سکوت اختیار کرده و خود را حسابی به کوچه دیگر زده‌اند به گونه‌ای که گویی نه خانی آمده و نه خانی رفته. به‌عنوان نمونه و در همین مورد اخیر می‌توان به فعالیت‌های کاملاً مشکوک، نامتعارف و شائبه‌برانگیز سفارتخانه انگلیس به‌خصوص شخص سفیر در حوزه تئاتر و سینما اشاره کرد؛ از حضور علنی و پررنگ در پشت‌صحنه فیلم‌ها و سریال‌ها تا حضور در سالن‌های تئاتری و رایزنی‌های مستقیم با هنرمندان برای برقراری ارتباط ناگفته پیداست که چه اهداف و برنامه‌هایی علیه کشور در سردارند اما نکته مهم این یادداشت نه این حضور و فعالیت‌هایشان است که همگان می‌دانند و سال‌های سال نیز به‌رغم عدم توجه بارها و بارها تذکر داده‌شده بلکه غفلت و غیبت مدیران فرهنگی متعهد به انقلاب و نظام در این حوزه است که فضا را برای جولان دادن عناصر نامعلوم و نامطلوبی چون امثال این سفارتخانه و دیپلمات‌های آن فراهم کرده است.

گفت‌وگوی «جوان» با جمال شورجه، کارگردان سینما و تلویزیون

«تبیان» چشمداشتی به «کلید اسرار» ندارد

در حال رایزنی در داخل و خارج از کشور برای تأمین منابع مالی تولید «موسی(ع)» هستیم

امیر حسین غضنفری | سینما پرس

■ **معصومه طاهری**

جمال شورجه از نویسندگان و کارگردانان متعهد کشورمان است که اغلب او را با آثار دفاع مقدسی چون دایره سرخ، خلبان و عملیات کرکوک می‌شناسیم. در حال حاضر نیز شاهد بازپخش مجموعه قصه‌های «تبیان» از تلویزیون هستیم که با همکاری مرحوم سلحشور تولید کرده است. بر اساس توانایی و سابقه اعتقادی که این کارگردان دارد بعد از مرحوم سلحشور رسالت پروژه «حضرت موسی» به عهده وی قرار داده شد و قرار است با سکانداری شورجه به اتمام برسد.

چطور شد وارد فضای سینما شدید؟

بعد از انقلاب و تعطیلی دانشگاه‌ها برای انقلاب فرهنگی فرصتی پیش آمد تا خلئی که در تلویزیون و سینما ایجاد شده توسط افراد مذهبی پرشود به‌همین خاطر مدرسه عالی شهید مطهری با مدیریت آیت‌الله امامی کاشانی برای تربیت نیروهای مدیریتی و میدانی و اجرایی در این حوزه را جمع کرد. من هم که رشته گرافیک و نقاشی می‌خواندم دعوت شدم. یک گروه ۱۰۰ نفره بودیم که هم به لحاظ هنری و زیباشناختی و هم به لحاظ مباحث و مبانی فکری با ما کار می‌شد. حدود یک سال و نیم آموزش دیدیم. همزمان جنگ هم شروع شده بود. با دوربین برای عکاسی و ساخت فیلم‌های کوتاه به مناطق جنگی رفتیم تا صحنه‌ها را به تصویر بکشیم؛ آموزش‌های ما عملی و تئوری با هم بود و از هر دو نظر ما تربیت شدیم. بعد از مدتی کلاس‌های ما تمام شد ولی سودای دفاع مقدس برسرداشتیم؛ عده‌ای جذب تلویزیون، عده‌ای جذب ارشاد و عده‌ای هم مثل ما جذب حوزه هنری شدیم البته همه با هم ارتباط داشتیم. پایه‌های فیلم‌سازی ما به این شکل ایجاد شد؛ در واقع چون انتخاب‌های افراد برای دوره آموزشی از انجمن‌های اسلامی و افراد مذهبی دانشگاه‌ها بود به ندرت گرفتار تفکرات لائیک سینمای غربی شدند زیرا این افراد فعالیت‌های فکری و دانشگاهی داشتند و به نوعی مطلع به مباحث اعتقادی و دینی به کار هنری که انجام می‌دادند بودند.

این روزها از تلویزیون مجموعه قصه‌های تبیان پخش می‌شود، مجموعه‌ای که دلنشین و آموزنده است آیا این برنامه در رقابت با مجموعه ترکی کلید اسرار بود؟

نه؛ ما براساس داستان‌های قرآنی وارد عمل شدیم و مبدأ آن هم کتاب قرآن بود؛ شاخصه داستان‌های تبیان قصه‌های واقعی قرآن بود. مرحوم سلحشور که سال‌ها با هم کار می‌کردیم، آیه شریفه ۱۱۱ از سوره یوسف را مبنای کار قرار داد. او هیچ چشم‌داشتی به مجموعه کلید اسرار نداشت. رویکرد تبیان قصه‌های واقعی بود که خدا برای بشر در نظر گرفته است؛ برهمین اساس تعدادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان سینما که از بچه‌های مذهبی مرتبط با بسیج، جشنواره عمار و مؤسسه شهید آوینی بودند را دعوت کردیم؛ ۱۵ نفر رشته کارگردانی و حدود ۲۰ دانشجو از شهرهای مختلف برای نوشتن قصه‌های تبیان جمع شدند و شروع به تحقیق و بررسی داستان‌ها کردند تا قصه‌هایی که عناصر درام دارند را کار کنیم.

با این که مجموعه «تبیان» روایتی ساده و به‌دور از جلوه‌های ویژه به‌روز سینمایی دارد ولی جذاب است؛ علت این توفیق را چه می‌دانید؟

آنطور که اطلاع دارم سه شبکه تلویزیونی هر شب پخش می‌کنند؛ درصورتی که اوایل تولید به این مجموعه بی‌مهری شد ولی الان با توجه به تنوع تولیدات رسانه‌ای که صحنه‌های مصنوعی نمایشی دارند استقبال خوبی از تبیان می‌شود. به نظرم به دلیل متن و بطن قصه‌های بکر قرآنی است که خودشان پر از عبرت و درس‌آموزی هستند ما خیلی تلاش نکردیم با جذابیت‌های مصنوعی آنها را نشان بدهیم؛ خود محتوا جالب بود. داستان‌ها توسط مجموعه نوشته می‌شد و استادان حوزه مدیریت می‌کردند تا هم به سرانجام نمایشی خوبی برسد و هم به موضوعات و مضامین مذهبی اشاره کند. انتخاب‌ها دراماتیک و نمایشی همراه با عبرت‌های الهی بودند. دوستان جوان پر از شور و هیجان و انگیزه کار می‌کردند که الان تعدادی از آنها جذب سینما شده‌اند. ابتدا سردار نقدی با مرحوم سلحشور وارد مذاکره شد و همکاری کردند. از شبکه برون‌مرزی سیمای جمهوری اسلامی هم درخواست داشتند تا بخشی را برای آنها بنویسیم و تولید کنیم.

شما چه فیلم‌هایی از فیلم‌های ادیان الهی از تولیدات جهانی را توصیه می‌کنید؟

کسانی که علاقه‌مند به آثار دینی هستند باید هر اثر مذهبی را فارغ از ظواهر ببینند تا متوجه بشوند دنیا چه برخوردی با دین و دینمدارها دارد، زیرا نوعاً با آثار دینی به دنبال دین‌زدایی و تنزل شخصیت‌های دینی و کم کردن قداست‌های پیامبران هستند تا باورهای دینی ملت‌های مختلف را از بین ببرند، لذا لازم است این فیلم‌ها را دید و به کنه و ریشه این آثار پی برد.

بازتاب‌های سریال «حضرت یوسف» را در جهان چطور دیدید؟

خیلی تعجب برانگیز شد؛ طبق آمار حدود ۴ میلیارد نفر در دنیا این مجموعه را دیدند و خیلی‌ها از آن اثر مثبت گرفتند؛ شاید یکی از علل توجه اخیر هالیوودی‌ها به آثار دینی همین تأثیر زیاد «حضرت یوسف» باشد زیرا تأثیرگذاری مثبت این مجموعه مبتنی بر ریشه‌های دینی و قرآنی بود و هالیوود را وادار کرد که علیه این آثار اصیل تولید داشته باشند.

شما آثار اثرگذار زیادی دارید؛ یکی از این آثار فیلم «خلبان» درباره شهید دوران است اما اسم شهید در آن نبود چرا اغلب فیلمسازان اسم شهید را در فیلم‌ها نمی‌آورند؟

این که اسم شهید در «خلبان» نیامده شاید پیش نمی‌آمده که به فامیل او را صدا بزنند؛ درحالی که فیلم تقدیم به شهید دوران بود، اما این که چرا فیلمسازان نام شهدا را نمی‌آورند اولاً باید فیلم ایجاب کند و ثانیاً این که فیلم درباره شهدا زیاد ساخته نشده و ما به اندازه انگشتان دست در این زمینه تولید نداریم. این یکی از معضلات سینمای ماست. به نظرم تعمدی در نام نبردن شهدا نیست، ولی در تیتراژ و شاکله فیلم باید اشاره کرد که برداشت زندگی کدام شهید است تا در حق شهید جفا نشود.

بعد از مرحوم سلحشور سریال «حضرت موسی» به عهده شما قرار داده شد؛ سرانجام آن به کجا رسید؟

در این‌باره یک مثنوی مطلب دارم؛ بعد از سریال «مردان آنجلس» با تعدادی از عوامل به دیدار رهبری رفتیم؛ آن‌جا ایشان خطاب به لاریجانی و مدیران شبکه‌ها فرمودند: «جناب آقای لاریجانی این سریال حجت را بر من و شما تمام کرد. این گروه می‌توانند کارهای بزرگی انجام بدهند. بروید کارهای بزرگی با این گروه انجام بدهید.» این نقطه عطفی بود که مرحوم سلحشور به تولید حضرت موسی ورود کنند؛ پیامبری که بیشترین نام و قصه را در قرآن دارد. همچنین عبرت‌ها و روایت‌های بسیاری در خصوص زندگی این پیامبر داریم و شاید یکی از علت‌هایی که رهبری توصیه به تولید آن داشتند همین باشد. مرحوم سلحشور از همان موقع با حضور ۱۵ محقق این پروژه را نوشت که پنج تا شش سال طول کشید و تا ۷۲ قسمت مجموعه را نوشت اما برای ادامه کار عمرش کفاف نداد. این کار سنگینی است که بودجه بالایی لازم دارد و الان هم تلویزیون با مشکل مالی مواجه است؛ البته می‌توان تله فیلمی کار کرد، ولی حق مطلب چنین موضوع مهمی در سطح جهانی ادا نمی‌شود؛ به نظرم مجلس و شورایی که برای کارهای فرهنگی بودجه را تعیین می‌کند می‌بایست بودجه‌ای برای این مجموعه تصویب کند. عمده مشکل ما مسئله بودجه است؛ درحالی که رهبری بارها بر تولید این کار تأکید کردند. حتی توصیه داشتند برخی کارهای دیگر کنار گذاشته شود و اختصاصاً پروژه حضرت موسی را دنبال کنیم؛ البته از سوی تلویزیون کوتاهی نشده و مشکل کلی ما بودجه است. در حال رایزنی در داخل و خارج از کشور هستیم تا منابع مالی تأمین شود.

آیا شما برای سریال حضرت موسی برنامه‌ای برای استفاده از بازیگران خارجی دارید؟

ما توانایی لازم را در حوزه‌های هنری و سینمایی داریم ولی برای جهانی شدن و جذب مخاطبان بیشتر با توجه به موضوع حضرت موسی که خیلی‌ها در دنیا با آن آشنا هستند و کنجکاوند تا نگاه قرآن مسلمانان را درباره آن بدانند به نظرم می‌بایست عناصر جلوی دوربین را بین‌المللی‌تر کنیم و از کشورهایی چون ترکیه، سوریه، لبنان و کشورهای غربی دعوت به کار کنیم چون مخاطبان این اثر فقط مسلمانان نیستند؛ مانند «مریم مقدس» که بینندگان زیادی از مسلمان و غیرمسلمان در دنیا داشت.

مصطفی زمانی هم در این سریال حضور دارد؟

بله؛ از ایشان دعوت کردیم تا در همان نقش یوزارسیف حضور پیدا کند. ابتدای داستان با زمان رحلت و وصیت حضرت یوسف همراه است. ایشان یاران خود را در قصر جمع کرده و وصایایی می‌کند از جمله اینکه قوم بنی‌اسرائیل منتظر موعود خود باشند. زمان انتظار با فشار و ظلم خواهد بود و باید برای فرج منجی دعا کنند و مصطفی زمانی همین نقش را بازی می‌کند.

بازیگر نقش حضرت موسی را انتخاب کرده‌اید؟

برای بازی حضرت موسی به دنبال چهره جدید هستم. عمدتاً برای این چهره باید وقت گذاشت مثل خود مصطفی زمانی که در جای حضرت یوسف خوش درخشید. امیدوارم چهره تازه و دیده نشده‌ای که البته صبغه مذهبی قوی داشته باشد پیدا کنم تا بتواند داستان و زندگی این پیامبر بزرگوار را درک و لمس کند و آیات قرآنی را در قالب این شخصیت به خوبی به تصویر بکشد.

نقش و جایگاه زنان در ایالات متحده با نگاهی به رسوایی اخیر در هالیوود

کالای لوکس مردان قدرتمند

■ **فرزاد میرحمیدی**

ماجرای رسوایی «هاروی وانستاین»- تهیه‌کننده سرشناس هالیوود- زمانی رخ داد که هنوز یک ماه از مرگ «هیو هفنر»- خالق مجله پلی بوی- نگذشته است. مجله‌ای که به عنوان نمادی از آزادی‌های جنسی در جوامع غربی و به ویژه در ایالات متحده، زنان و مردان را دست‌کم در این زمینه برابر و همسنگ می‌انگاشت.

جدا از پلی بوی اینترپرایز و تمام امپراطوری رسانه‌ای‌اش از رادیو و تلویزیون گرفته تا اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، کلاً سیاست فرهنگی- رسانه‌ای ایالات متحده، دست‌کم در دو- سه دهه اخیر حول همین محور، یعنی آزادی‌های جنسی و برابری جنسیتی، به ویژه در ارتباط با تغییر جایگاه زن و نگاه ابزاری (جنسی) به او، گشته و می‌گردد. دست‌کم در یک دهه اخیر، نقش زن در محصولات هالیوودی به طرز چشمگیری تغییر کرده است. در غالب تولیدات جدید هالیوود، زن دیگر آن کالای لوکس همراه مرد- به عنوان جنسی درجه دو، متعلق و پیرو قهرمانان اصلی داستان که مردان بودند- معرفی نمی‌شود. بلکه زن اصولاً خود در نقش قهرمانی ظاهر می‌شود که بسا از قهرمانان (شخصیت‌های) مرد نیز پیشی می‌گیرد و بر آنان فائق می‌آید و به‌عبارت دیگر

در نمایش‌های متأخر هالیوودی، زن به عنوان الگو و مدلی کمال‌یافته و متعالی از وضعیت موجود در جهان فرهنگی غرب و ایالات متحده، تبلیغ و ترویج می‌گردد. به‌علاوه، این تمام ماجرا نیست. این جریان رسانه‌ای حتی در زمینه سیاست نیز در ایالات متحده به شکل غریبی جلوه می‌نماید. اگرچه شکست‌های سیاسی هیلاری کلینتون باز تا حدودی حقایق این ژست سیاسی- فرهنگی را فاش کرد، اما در غالب جریان‌های مهم سیاسی و در غالب رسانه‌های مهم ایالات متحده مانند CNN، همچنان شاهد نمایش دگرگونه‌ای از زنان، به عنوان مدلی آزاد و کمال‌یافته، هستیم که حتی قدرتمندترین چهره‌های سیاسی را در برابر خود وادار به عجز و تسلیم می‌نمایند. با این همه، رسوایی اخیر هاروی وانستاین، پرده از حقیقتی برداشت که چنین نیست و در پس پرده این نمایش‌ها، واقعیت دیگری نهفته است.

واقعیت این است که هنوز در کلان- فرهنگ ایالات متحده و در سطح توده، زنان در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، همان کالای لوکس مردان قدرتمندند و در حالتی بدبینانه‌تر بردگان جنسی مدرنی که برای ستاره شدن و درخشیدن در جایگاه قهرمانان، باید تا پایین‌ترین درجات انسانی دست به تظاهر بزنند و وانمود کنند که بله، ما خوشبختیم، ما آزادیم و نه تنها با مردان قدرتمند و ثروتمندی چون وانستاین- که حامی مالی هیلاری کلینتون و دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری بود- برابریم، که از آنها نیز قدرتمندتر و آزادتریم!

اما شاید هیچکدام از این سوپراستارهای آزاد و قهرمان که پس از افشای رسوایی وانستاین، یک به یک درد دلشان باز شد، به اندازه ترامپ، رئیس‌جمهوری که خود در مبارزات انتخاباتی‌اش بارها- از سوی همین دموکرات‌ها و حامیانشان- متهم به آزار جنسی و سوءرفتار با زنان شد، حقیقت ماجرا را فاش نکردند که گفت: «بله، من هاروی را می‌شناسم و صادقانه بگویم که از شنیدن این خبر اصلاً تعجب نکردم!»

زیر گنبدکبود در خانه هنرمندان

نمایشگاهی از مراحل پیش تولید و ساخت انیمیشن‌های استودیوی گنبدکبود به بهانه دهمین سالگرد تأسیس این استودیو در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

در این نمایشگاه ۴۰ اثر از مراحل اولیه تولید انیمیشن، مانند استوری‌برد، طراحی شخصیت و ایده‌های اولیه بصری به نمایش درمی‌آید و این آثار در نشستی با حضور هنرمندان و انیماتورهای این استودیو تشریح و تحلیل می‌شود. استودیوی گنبدکبود سال ۱۳۸۶ توسط بابک و بهنود نکویی تأسیس شده و طی یک دهه فعالیت مستمر، انیمیشن کوتاه استریپی (راه یافته به لیست بلند اسکار)، تعداد قابل توجهی تیزر و وله‌های انیمیشنی تولید کرده است. سریال ۱۰۰ قسمتی «روبی و جوجه‌ها» نیز از جمله تولیدات این استودیو است که هفت قسمت از آن نوروز امسال از تلویزیون به نمایش در آمد.

همچنین آثار این استودیو جوایز متعددی در جشنواره‌های مختلف به دست آورده که از متأخرترین آنها می‌توان به جایزه بهترین متحرک‌سازی از جشن خانه سینما و دو جایزه بخش ملی و بین‌المللی بهترین اثر تلویزیونی دهمین جشنواره پویانمایی تهران اشاره کرد.

افتتاحیه نمایشگاه «زیرگنبدکبود» ۲۸ مهر ماه ساعت ۱۸ تا ۲۰ با حضور مدیران و هنرمندان این استودیو، جمعی از پیشکسوتان و هنرمندان انیمیشن‌ساز و طراحان در گالری نامی خانه هنرمندان برگزار می‌شود.

معرفی دبیران جشنواره ملی مدرسه عشق

دبیران بخش‌های مختلف جشنواره ملی مدرسه‌عشق طی حکمی از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین محرابی، معاونت فرهنگی، اجتماعی سازمان بسیج منصوب شدند.

بنا بر این گزارش، سیدمسعود شجاعی طباطبایی (مدیر خانه کاریکاتور ایران) به عنوان «دبیر بخش تجسمی»، میثم نیلی (مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی) به عنوان «دبیر بخش نشر»، سیدسلیم غفوری (مدیر شبکه مستند) به عنوان «دبیر بخش هنرهای نمایشی»، سیدمحمد حسینی (وزیر اسبق ارشاد) و محمد گلریز (استاد موسیقی) به عنوان «دبیر بخش موسیقی» به عنوان دبیر «بخش ایده و فعالیت» پنجمین دوره جشنواره ملی مدرسه عشق منصوب شدند. گفتنی است، داوران بخش‌های مختلف پنجمین جشنواره ملی مدرسه عشق به‌زودی از سوی دبیران بخش‌ها معرفی خواهند شد.

فارسی‌دوستان عراقی دور هم جمع شدند

نخستین جلسه علمی انجمن دوستداران زبان فارسی در مرکز فرهنگی ایرانی در بغداد برگزار شد.

نخستین جلسه علمی انجمن دوستداران زبان فارسی در بغداد حول مبحث «آداب و رسوم مردم ایران در ادبیات فارسی» طی هفته گذشته برگزار شد. در این جلسه، «خیریه دماک قاسم» و «رحیم مزهر جبر» در خصوص آداب و رسوم مردم ایران در نوشته‌های محمدعلی جمال‌زاده و «انور عباس مجید» درباره مراسم قالیشویان مردم فین کاشان مطالبی را برای حاضران قرائت کردند. از دیگر مباحثی که قرار است در این سلسله جلسات بررسی شوند می‌توان به «واژه‌های بیگانه در ادبیات فارسی»، «نام جانوران در ادبیات فارسی»، «تاریخ زبان فارسی»، «قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» و «جغرافیا در ادبیات فارسی» اشاره کرد.

بازدید رئیس سازمان صدا و سیما از شهر حلب

عبدالعلی علی‌عسکری رئیس رسانه ملی برای بازدید از شهر مهم و راهبردی حلب وارد این شهر شد و استاندار حلب از وی استقبال کرد.

رئیس سازمان صدا و سیما از بخش‌های مختلف این شهر که چندی پیش به‌دست نیروهای مقاومت از دست تروریست‌ها آزاد شد بازدید می‌کند. علی عسکری بالاترین مقام اجرایی جمهوری اسلامی است که بعد از آزادسازی کامل شهر حلب از این شهر مهم و راهبردی بازدید می‌کند. استان حلب که هنوز در بخش‌هایی از آن درگیری‌ها ادامه دارد از آغاز جنگ تا پایان آزادسازی مناطق اعظم آن، بیش از نیمی از زیرساخت‌های خود را از دست داده است. رئیس سازمان صدا و سیما در گفت‌وگوی کوتاهی با استاندار حلب تأکید کرد: دولت و ملت ایران و در رأس همه مقام معظم رهبری پشتیبان مردم و دولت قانونی سوریه هستند و خواهند بود و ان‌شاءالله در کنار هم بتوانیم سوریه را با هم بهتر از قبل بسازیم.